

ارمنستان از روس ها فاصله می گیرد؟



بهرام امیراحمدیان کارشناس مسائل بین الملل

اخیرا مقامات ارمنستان اعلام کرده اند که این کشور با ارائه کردیدور فراسرزمینی به جمهوری آذربایجان موافقت نکرده است. این مورد در همان زمان امضای موافقتنامه آتش بس به ابتکار پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه، از سوی پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان نیز اعلام شده بود. نکته دیگر اینکه حل مسأله قره باغ از سوی شورای امنیت سازمان ملل به سازمان همکاری و امنیت در اروپا واگذار شده بود و این سازمان گروه مینسک را برای مدیریت امور تشکیل داده بود که از چند کشور با ریاست مشترک سه عضو دائم شورای امنیت (روسیه، فرانسه و ایالات متحده آمریکا) تشکیل می شود. اقدام یکجانبه روسیه (بدون دخال و شراکت دو عضو دیگر) در جنگ ۴۴ روزه اکتبر ۲۰۲۰ خارج از چارچوب حقوقی و قانونی شورای امنیت سازمان ملل بوده است. بنابراین نمی تواند ضمانت اجرایی داشته باشد. از همین رو این موافقتنامه، سند شورای امنیت مبتنی بر موافقت و امضای روسای گروه مینسک نبوده است. پس از اعلام آتش بس و وادار کردن ارمنستان و جمهوری آذربایجان به امضای موافقتنامه آتش بس، اقدام برای فراهم شدن روند امضای موافقتنامه صلح با دشواری های حقوقی و قانونی و عملی مواجه شده است. در بند ۵ این موافقتنامه مقرر شده است که جمهوری آذربایجان دالنی به نام «لاچین» را به عرض پنج کیلومتر تحت نظارت صلح بانان روسی در اختیار ارمنیه قره باغ قرار می دهد تا آنها با ارمنستان در ارتباط باشند و از وضعیت محاصره نیروهای نظامی جمهوری آذربایجان خارج شوند و نیازمندی های دارویی و غذایی خود را تأمین کنند. در مقابل ارمنستان خواسته شده است در قلمرو خود در جنوب و در شمال رود ارس به موازات مرز با ایران، امکان ارتباط زمینی جمهوری آذربایجان با بخش «بروتگان» (Exclave) خود به نام «جمهوری خود مختار نخجوان» در غرب ارمنستان را که از طریق خاک ارمنستان از آذربایجان جدا شده است، فراهم آورد. این موضوع سبب پیشداوری های نادرست در فضای سیاسی دو کشور و منطقه شد. به طوری که ترکیه و جمهوری آذربایجان چنین برداشت کردند که این کریدور حدود ۴۰ کیلومتری که امکان ارتباط این دو بخش جمهوری آذربایجان را فراهم می آورد، در مالکیت و بهره برداری انحصاری جمهوری آذربایجان خواهد بود. تنها منبئی که اولین بار نقشه ای در این زمینه منتشر و موجب دامن زدن به سوء برداشت دو طرف جمهوری آذربایجان و ترکیه شد، سایت روسی «کامرسانت» بود. جمهوری آذربایجان و ترکیه ادعای مالکیت و حاکمیت بر کریدوری که بعدها «ننگرور» نامیده شد، تا بدانجا توسعه دادند که اگر ارمنستان این کریدور موافقت نکند با نیروی نظامی و اشغال جنوب ارمنستان آن را عملی خواهند کرد. در فرایند تحولات منطقه در پایان سال گذشته میلادی جمهوری آذربایجان با حمله نظامی به منطقه قره باغ ۱۲ هزار ارمنیه بومی ساکن در قره باغ را وادار به مهاجرت از سرزمین اصلی خود در قره باغ به ارمنستان کرد که موجب ایجاد بحران سیاسی و اقتصادی ارمنستان شده است. از سوی دیگر با عدم موافقت جمهوری آذربایجان به فعال شدن دالان لاچین و عدم تضمین نیروهای صلح بان روسی از ارتباط ارمنیه قره باغ با ارمنستان، عملا موافقتنامه آتش بس از سوی آذربایجان نقض و موضوع کریدور به اصطلاح ننگرور، منتفی شده بود. با توجه به روند امور در منطقه و فشارهای ترکیه و جمهوری آذربایجان به ارمنستان، نخست وزیر ارمنستان گفته است که کشورش عضویت خود را در «سازمان پیمان امنیت جمعی» به رهبری روسیه به حالت تعلیق درآورده است. نیکول پاشینیان، نخست وزیر ارمنستان در ۱۴ اسفند سال جاری یادآور شده است که کشورش عضویت خود را در «سازمان پیمان امنیت جمعی» به رهبری روسیه به حالت تعلیق درآورده است. نخست وزیر ارمنستان در یک مصاحبه با فرستنده تلویزیونی «فرانس ۲۴» در ارتباط با جمهوری آذربایجان توضیح داده است که «سازمان پیمان امنیت جمعی» به رهبری روسیه، وظایف خود را در قبال کشورش، به خصوص در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ عملی نکرده است و ما نمی توانیم به سادگی این امر بپذیریم. وی همچنین حکومت باکو را متهم کرده است که به یک حمله جدید بر ارمنستان آمادگی می گیرد. حکومت آذربایجان این اتهام را روز جمعه رد کرد. در مقابل این تصمیم ارمنستان، وزیر خارجه روسیه خاطرنشان کرد که ارمنستان با وعده کمک غرب رهبری شده است که در واقع تلاش می کنند آن را مجبور به قطع روابط با روسیه و ساختارهای ادغام در منطقه کند. وی در انتیالیا، در دوم مارس سال جاری در یک کنفرانس مطبوعاتی پس از مجمع دیپلماتیک انتالیا، خاطرنشان کرد که «گفتن اینکه ارمنستان از سال ۱۹۹۱ در همه چیز در روابط با روسیه مسیر اشتباهی را طی کرده است، نیاز به شجاعت سیاسی دارد.» وی گفت اگر این ارزیابی کل رهبری ارمنی است و بر اساس نظر کل مردم ارمنی است، پس لازم است که در روابط روسیه و ارمنستان تجدید نظر شود.» وی اظهار داشته است که رهبری ارمنستان تصمیم گرفته است به کشورهای غیر منطقه ای که با ایران در ارتباط هستند، تکیه کند، آنها وعده می دهند که به ایران در تمام مشکلات کمک کنند. اگر که ارمنستان روابط خود را با روسیه و ساختارهای ادغام که در منطقه مشترک ما ایجاد شده است، قطع کند. غرب این واقعبیت را پنهان نمی کند. این هدف اصلی غرب در روابط با کشورهای آسیای مرکزی و ارمنستان و دیگر کشورهای فضای پس از شوروی است. با توجه به تحولات و دشواری های موجود در ارتباط جمهوری آذربایجان با نخجوان، مقامات ایران و جمهوری آذربایجان موافقت کرده اند که کریدور ریلی و جاده ای ارس را به موازات راه مرزی موجود (که از آغاز دگربری ارمنستان و آذربایجان، از آغاز دهه ۱۹۹۰ که توسط جمهوری آذربایجان از آن بهره گرفته می شود) از جلفا تا نقطه آغاز بند، در امتداد مرز جمهوری اسلامی ایران احداث کنند که این پروژه مهم از سوی دو طرف در حال انجام است.

ایران باید همه احتمالات حضور ترامپ در کاخ سفید را بررسی کند

حسن بهشتی پور در گفت و گو با «آرمان ملی»:

احیای برجام یکی از مهم ترین دغدغه های سال آینده در سیاست خارجی است

مطلق انگاری در رابطه با آمریکا شرایط راسخ می کند



آرمان ملی - احسان انصاری: به قدرت رسیدن مجدد ترامپ در آمریکا چه پیامدهایی خواهد داشت و در صورتی که چنین اتفاقی رخ بدهد رابطه بین ایران و آمریکا به چه سمتی حرکت خواهد کرد؟ مهم ترین دغدغه های دولت رئیسی در سال ۱۴۰۲ چه خواهد بود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین الملل گفت و گو کرده است. بهشتی پور معتقد است: «رویکرد یکجانبه، در تعارض با اساس برجام است چرا که در این توافق به روشنی ذکر شده است که طرفین باید با یکدیگر در حوزه های گوناگون همکاری داشته باشند. بنابراین معنی ندارد که وقتی قرار است همکاری صورت بگیرد، تحریمی به بهانه های مختلف علیه ایران وضع شود. اگر قوام سازی به این معنا باشد که هر دو طرف شروع به احیای توافق و اعتماد سازی کنند و پس از آن برای حل مشکل، اقدامات دیگری را در دستور کار قرار بدهند، می توان به این شکل قوام سازی برجام را ممکن نمود. در غیر این صورت، زیاده خواهی های هر یک از طرفین با هیچ منطقی سازگار نخواهد بود. هنوز هم دولت بایدن می تواند با وعده های خود گام مهمی در اعتماد سازی بردارد تا درباره زمینه های دیگر نیز بتوان گفت و گوهایی را در پیش گرفت.» در ادامه ما حاصل این گفت و گو را می خوانید.

ایران و آمریکا توانست یک بحران از راه دیپلماتیک حل و فصل شود که در صورت موفقیت می توانست مدل مناسبی برای حل سایر مسائل در نظر گرفته شود. اما مشاهده کردیم که به دلیل برخی مشکلات در درون توافق و همچنین کارشکنی های کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، امارات متحده و همچنین رژیم صهیونیستی و لابی های آنها در کنگره آمریکا پس از روی کار آمدن ترامپ تیر خلاص به این توافق شلیک شد و برجام به محاق رفت. باید ببینیم آیا برای قوام سازی می خواهیم کماکان دیپلماسی را در دستور کار قرار دهیم و این مسیر را در پیش بگیریم یا اینکه همچنان قوام سازی سیاست های یک طرفه مانند تحریم های آمریکا در پیش گرفته شود. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که در دولت بایدن فرصت هایی برای احیای برجام وجود داشت که از آن به خوبی استفاده نشد. نکته دیگر اینکه رویکرد یکجانبه، در تعارض با اساس برجام است چرا که در این توافق به روشنی ذکر شده است که طرفین باید با یکدیگر در حوزه های گوناگون همکاری داشته باشند. بنابراین معنی ندارد که وقتی قرار است همکاری صورت بگیرد، تحریمی به بهانه های مختلف علیه ایران وضع شود. اگر قوام سازی به این معنا باشد که هر دو طرف شروع به احیای توافق و اعتماد سازی کنند و پس از آن برای حل مشکل، اقدامات دیگری را در دستور کار قرار بدهند، می توان به این شکل قوام سازی برجام را ممکن نمود. در غیر این صورت، زیاده خواهی های هر یک از طرفین با هیچ منطقی سازگار نخواهد بود. هنوز هم دولت بایدن می تواند با وعده های خود گام مهمی در اعتماد سازی بردارد تا درباره زمینه های دیگر نیز بتوان گفت و گوهایی را در پیش گرفت.

به چه میزان این احتمال وجود دارد که ترامپ دوباره در آمریکا به قدرت برسد و در صورتی که چنین اتفاقی رخ بدهد چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟ در شرایط کنونی نمی توان گفت اگر ترامپ رئیس جمهور شود تنش بین واشنگتن و تهران افزایش پیدا می کند یا کاهش؟ هر چه هست بستگی به رفتار خودمان دارد که چه سیاست هایی را در نظر بگیریم که منجر به تنش نشود. متأسفانه شناخت دقیقی از تحولات سیاسی آمریکا در ایران وجود ندارد و ساده ترین توصیه برای این تحولات آن است که گفته شود بایدن و ترامپ هردو دشمن ایران هستند و تعارض ایندوئولوژیک با ما دارند بنابراین تفاوتی نخواهد داشت که بایدن رئیس جمهور شود یا ترامپ. این در حالی است که واقعبیت خلاف این تصور است. روسای جمهوری آمریکا در کلیات سیاست های راهبردی این کشور را دنبال می کنند اما در روش ها و جزئیات با هم اختلافات اساسی دارند، چنانکه دولت بایدن با دولت ترامپ با دولت ترامپ با دولت اوپاما فاصله زیادی به لحاظ شیوه ها و روش ها با هم داشتند. قطعاً تحولات سیاسی درون آمریکا بر معادلات بین المللی به ویژه منطقه ما و ایران تأثیرگذار خواهد بود. ما باید دقیق و همه جانبه موضوعات و مسائل را بررسی کنیم تا اگر بایدن انتخاب شد چه سیاست هایی را به کار بگیریم و اگر ترامپ انتخاب شد چه سیاست هایی را دنبال کنیم. ایران باید سناریوهای مختلف را در قبال دولت آینده آمریکا در نظر بگیریم و پیش بینی کند. ترامپ در دوره خود نشان داد که یک رئیس جمهور غیرعادی است و تصمیم گیری های غیرقابل پیش بینی دارد بنابراین حتماً کارشناسان باید جز به جز احتمالات رفتاری ترامپ را بررسی و ارزیابی کنند و مدل مناسب برای رفتار متقابل با او را به جمع بندی برسانند. اگر ترامپ و بایدن را یکی فرض کنیم و نیازی به بررسی دوره آینده ریاست جمهوری هر کدام از آنها نبینیم اشتباه است. البته از الان نمی توان پیش بینی کرد که اگر ترامپ رئیس جمهور شود تنش بین واشنگتن و تهران افزایش پیدا می کند یا کاهش اما هر چه هست بستگی به رفتار خودمان نیز دارد که چه سیاست هایی را در نظر بگیریم که منجر به تنش نشود.

در صورتی که ترامپ به قدرت برسد به چه میزان این احتمال وجود دارد که تنش بین ایران و آمریکا دوباره به اوج برسد؟

هنوز به صورت دقیق در این زمینه نمی توان صحبت کرد. به هر حال زمانی که توافق برجام به دست آمد، پس از ۴۰ سال نخستین اقدامی بود که در روابط بین ایران و آمریکا بر سرش در سال آینده می تواند اتفاق افتد. ایران و آمریکا هرچند قطوری در اختلافات خود دارند که در حوزه های اساسی باید آنها را حل و فصل نمایند و بدون حل کردن آنها نمی توان انتظار داشت که تفاهتنامه ای بین دو کشور به امضا برسد. با این حال این دیدگاه وجود دارد که اگر ایران به آمریکا اجازه می داد در منافع اقتصادی با ایران شریک شود، مشکلات دو طرف کمتری می گردید. ضمن احترام به این دیدگاه باید تاکید کرد که ایران با بوئینگ آمریکا قرارداد مهمی را منعقد کرده بود اما با هزم دولت آمریکا اجازه عملی شدن این قرارداد نه در ارسال قطعات و نه در تحویل هواپیماها را نداد. بنابراین اگر آمریکا به این منافع اقتصادی و شریک شدن با ایران بود جلوی اجرا شدن این قرارداد را نمی گرفت. به نظر من گروه دزد منافع اقتصادی برای تضمین اجرا شدن هر توافقی اعم از شریک شدن، مشکلات دو طرف کمتری می گردید. ضمن احترام به این دیدگاه باید تاکید کرد که ایران با بوئینگ آمریکا قرارداد مهمی را منعقد کرده بود اما با هزم دولت آمریکا اجازه عملی شدن این قرارداد نه در ارسال قطعات و نه در تحویل هواپیماها را نداد. بنابراین اگر آمریکا به این منافع اقتصادی و شریک شدن با ایران بود جلوی اجرا شدن این قرارداد را نمی گرفت.

این دیدگاه وجود دارد که اگر ایران به آمریکا اجازه می داد در منافع اقتصادی با ایران شریک شود، مشکلات دو طرف کمتری می گردید. ضمن احترام به این دیدگاه باید تاکید کرد که ایران با بوئینگ آمریکا قرارداد مهمی را منعقد کرده بود اما با هزم دولت آمریکا اجازه عملی شدن این قرارداد نه در ارسال قطعات و نه در تحویل هواپیماها را نداد. بنابراین اگر آمریکا به این منافع اقتصادی و شریک شدن با ایران بود جلوی اجرا شدن این قرارداد را نمی گرفت.

نگره

آمریکا کمک ها به اسرائیل را کند کرده است!؟

بحران انسانیت در غزه

با آغاز ماه مبارک رمضان تصور بر آن بود که شدت جنایات صهیونیست ها کاسته شود، اما آغاز این ماه هم موتور کشتار اشغالگران را خاموش نکرد و با همان شدت سابق به کارش ادامه می دهد و این رژیم در صدد شصت و دومین روز از جنگ نسل کشی به بمباران مناطق مختلف نوار غزه و ده ها شهید و مجروح برجای گذاشت. به گزارش الجزیره، دفتر رسانه ای دولتی در غزه بامداد روز شنبه اعلام کرد که ارتش رژیم صهیونیستی شب گذشته بیش از ۱۲ خانه امن را هدف قرار داد و یک کشتار کامل علیه غیرنظامیان، کودکان و زنان را ثبت کرد. به گزارش دفتر رسانه ای دولتی در غزه، ارتش اشغالگر با بمباران خانه خانواده طباطبایی در غرب اردوگاه جدید در النصیرات در وسط نوار غزه دست به کشتار زد و ۳۶ شهید برجای گذاشت که اکثر آنها را کودکان و زنان باردار تشکیل می دادند. دفتر رسانه ای دولتی در غزه، دولت آمریکا، جامعه بین المللی و اشغالگران صهیونیست را مسئول تشدید این جنایات و کشتار غیرنظامیان بی دفاع و نیز مسئول عواقب و انعکاسات این جنایات جنگی دانست. این دفتر از همه کشورهای آزاد جهان خواست تا برای توقف جنگ نسل کشی که برای صد و شصت و دومین روز متوالی و برای ششمین ماه متوالی ادامه دارد، به اشغالگران فشار بیاورند. رسانه های محلی نیز گزارش دادند که در بمباران خانه ها و ساختمان های در شهر غزه، اردوگاه النصیرات و شهر رفح بیش از ۸۰ شهروند شهید و ده ها نفر زخمی شدند که بیشتر آنها کودک و زن بودند. این رسانه ها تاکید کردند که نیروهای اشغالگر یک ساختمان مسکونی ۷ طبقه را در نزدیکی بیمارستان الشفاد در شهر غزه بمباران کردند که منجر به شهادت و زخمی شدن ده ها نفر شد که تعداد زیادی از آنها هنوز زیر آوار هستند. در اردوگاه جبالییا در شهر رفح در جنوب نوار غزه نیز، نیروهای اشغالگر یک خانه مسکونی را بمباران کردند که در نتیجه آن تعدادی از شهروندان زخمی شدند. خبرنگار المیدین هم گزارش داد که روزن این حمله تعدادی مجروح به بیمارستان تخصصی کویت منتقل شدند. در حمله هوایی رژیم صهیونیستی به خانه ای در منطقه خریه العداس در شهر رفح در جنوب نوار غزه، سه فلسطینی شهید و تعدادی دیگر مجروح شدند. همچنین توپخانه رژیم صهیونیستی مناطق شرقی و شمالی شهر خان یونس در جنوب نوار غزه را بمباران کرد. وضعیت غزه به قدری بحرانی است که یک مقام سازمان ملل تاکید کرد که «بیشکان دیگر نوزادانی با اندازه طبیعی در غزه نمی بینند». وی خاطر نشان کرد که ۱۸ هزار روز روز در نوار ویران شده غزه در حالی که از گرسنگی و کم آبی رنج می برند، زایمان می کنند. دومینیک آلن، مسوول صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در کنفرانس مطبوعاتی ویدئویی در قدس گفت: «شخصاً غزه را در این هفته به خاطر میلیون ها زن و دختر، برای ۶۵۰ هزار دختر در سن باروری به ویژه برای ۱۸۰ زنی که هر روز زایمان می کنند، وحشت زده ترک کردم». به نقل از لوریان لوزور، او توانست در بیمارستان هایی که هنوز خدمات زایمان در شمال نوار غزه را ارائه می دهند، بازدید کند. جایی که به گفته وزارت بهداشت غزه، بیش از ۶۱ هزار نفر از زمان آغاز حمله رژیم صهیونیستی شهید شده اند. دومینیک آلن عنوان می کند: «بیشکان می گویند که دیگر نوزادان با اندازه طبیعی نمی بینند. از سوی دیگر، به طرز غم انگیزی، آنها شاهد تولد نوزادان مرده و مرگ و میر بیشتر نوزادان هستند.»

تضمین های اسرائیل به مصر

با وجود فاجعه انسانی در غزه و به خصوص مناطق جنوبی این باریکه، رژیم صهیونیستی کماکان به انجام عملیاتی زمینی در رفح اصرار دارد و در این راستا این رژیم طی ارزیابی های اخیر خود با مصر درباره یورش احتمالی اش به رفح، به قاهره در مورد نگرانی هایش از آغاز موج آوارگان اطمینان هایی داد. یک منبع مصری ویژه در گفت و گو با وبگاه «العربی الجدید» اظهار کرد: به تازگی ارزیابی های امنیتی مصر و «اسرائیل» درباره عملیات نظامی احتمالی اشغالگران در شهر رفح علنی شد. این منبع گفت: طرف مصری از «اسرائیل» تعهداتی گرفت مبنی بر اینکه در صورت اجرای این عملیات، آن طبق اصول مشخصی همراه با در نظر گرفتن نگرانی های مصر از جمله نگرانی آن از آغاز موج آوارگان که وضعیت جمعی فلسطینی ها در نتیجه این عملیات نظامی خواهد بود. بنی گانتس، عضو کابینه جنگ رژیم صهیونیستی پنج شنبه تاکید کرد: کابینه جنگ درباره لزوم استمرار عملیات زمینی در غزه از جمله منطقه رفح برای «نابود کردن» پتانسیل های نظامی جنبش حماس توافق نظر دارد.

آمریکا کمک ها به اسرائیل را کند کرده است!؟

در پی تشدید اختلافات میان رئیس جمهوری آمریکا و نخست وزیر رژیم صهیونیستی بر سر برنامه حملات به نوار غزه، یک رسانه عبری زبان از کاهش کمک های نظامی واشنگتن به تل آویو پرده برداشت. شبکه عبری زبان «کان» در این باره خبر داد که واشنگتن کمک های نظامی به اسرائیل را کاهش داده است. طبق گزارش این شبکه، این اقدام در سایه تشدید بحران میان «بنیامین نتانیاو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی و دولت آمریکا صورت گرفته است. شبکه آمریکایی ABC نیز به نقل از یک مقام ارشد صهیونیست اعلام کرد که آمریکا شروع به تأخیر در ارائه برخی کمک های نظامی به رژیم اشغالگر کرده است. وی که به دلیل حساسیت موضوع حاضر به افشای نامش نشده است، گفت: محموله های کمک های نظامی آمریکا در آغاز جنگ بسیار سریع می رسیدند، اما این روند امروز بسیار کند است. با این حال، مقامات آمریکایی به ای بی سی نیوز اعلام کردند که کاهش کمک ها صحت ندارد و هیچ تغییری در سیاست آمریکا و وعده های کمکی که بیشتر به رژیم صهیونیستی داده بود، وجود ندارد. این مقامات گفتند که دولت آمریکا در تلاش برای استفاده از نفوذ خود به منظور تحت فشار قرار دادن نتانیاو جهت حفاظت از غیرنظامیان در غزه است. در همین زمینه، شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی گزارش داد: یکی از دستاوردهای «یحیی السنوار» رئیس جنبش حماس در نوار غزه، این است که وی موفق شد میان اسرائیل و آمریکا شکاف ایجاد کند. اختلافات میان رژیم صهیونیستی و آمریکا اخیراً گسترش پیدا کرده است اما هیچ قدمی رو به راپیش روی این روابط قرار داده است.